

پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی
تالاب علم آملی

ایران شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۵) / ایرج افشار
- از چشمه خورشید / دکتر هاشم رجب‌زاده
- دهکده‌های تاجیک‌نشین / منوچهر ستوده

قاره‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۵)

ایرج افشار

هنر قاجار

از دهم تا سیزدهم شهریور به مناسبت برگزاری نمایشگاه «هنر روزگار قاجار» که چند ماه در لندن منعقد خواهد بود، سلسله‌ای سخنرانی از جانب مؤسسه ایران‌شناسی بریتانیا The British Institute of Persian Studies و مرکز مطالعات خاورمیانه و نزدیک وابسته به مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن و بنیاد میراث ایران The Iran Heritage Foundation ترتیب داده شده بود که حدود سی تن در آن مشارکت داشتند. برگزاری این کنفرانس با مساعدتهای Asia House و مؤسسه انتشاراتی I. B. Tauris (یعنی ایرج باقرزاده) انجام پذیر شده بود.

نمایشگاه که به نام: The Royal Persian Paintings (The Qajar Epoch 1785 - 1925)

خوانده شده بود و به اهتمام بنیاد میراث ایران در گالری برونی واقع در محوطه دانشگاه لندن رویه‌روی مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی به نمایش گذاشته شد. گالری برونی ساختمان زیبا و ساده‌ای است که سلطان پولدار برونی بانی آن شده و به دانشگاه لندن اهدا کرده است.

این سلسله سخنرانیها به مناسبت شیخوخت و ریش سفیدی و حق تقدم و سالهای دراز خدمت Basil W. Robinson به تاریخ هنر نقاشی ایران به نام او نام‌گذاری و به او تقدیم شده.

نام افرادی که هدایت‌کننده و گرداننده مشورتی کنفرانس بودند چنین بود: خانم آنا کنتادینی A. Contadini - رابرت گلیو R. Gleave - جان گرنی J. Gurney، فرهاد حکیم‌زاده.

جلسه با سخنان حکیم‌زاده و پس از او با مقدمه گویی علمی رابینسون آغاز شد. نخستین



جلسه فرهنگی و هنری عنوان یافته بود. اسدالله سورن ملکيان شیروانی (فرانسوی) سخنانی گفت و پس از وپل لوفت (آلمانی استاد دانشگاه منچستر) تحت عنوان کشورستانی و بازگشت وضع فرهنگی و تبلیغات دربار فتحملی شاه صحبت کرد. الینر سیمس به نقاشیهای روغنی زند و قاجار پرداخت. سوسن بابائی (ایرانی مقیم امریکا) وضع معماری ایران از عصر صفویان تا قاجاران را مطرح کرد.

عنوان جلسه دوم نقاشی و طرق حمایت آن بود و این سخنرانیها را دربرگرفت:

- لیلا دیبا: پرده‌های نقاشی دیدنی از جنگهای عصر قاجار
- آدا آداموا (از روسیه): مکتب نقاشی ایرانی در نیمه اول قرن نوزدهم
- یحیی ذکاء: نقاشان خاندان غفاری کاشانی
- افسانه نجم‌آبادی (ایرانی مقیم امریکا) زیبایی و عشق در عصر قاجار
- ایرج افشار: از مجمع‌الصنایع تا صنایع مستظرفه (طریقه حمایت و تشکیلات از ۱۸۴۸ تا ۱۹۲۵)

در جلسه سوم چهار سخنرانی ایراد شد:

- پیتر چلکوسکی (از امریکا): معماری و مراسم مذهبی در قرن نوزدهم
- علی بلوکباشی: قهوه‌خانه

— هومن اسعدی: موسیقی قرن نوزدهم و جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی آن
— مریم اختیار (ایرانی مقیم امریکا): موزیک نظامی و مراسم در ایران عصر
قاجار

در جلسه چهارم (خوشنویسی و هنرهای آرایشی) چهار سخنرانی ایراد شد:

- ویلیام فلور (هلندی مقیم امریکا): نقاشی روی چوب
- آناتول ایوانف (از روسیه): محمد حکاک از نیمه اول قرن نوزدهم
- محمدحسن سمسار: خوشنویسی و تذهیب در عصر قاجار
- تیم استانلی (مقیم انگلستان): لطف‌الله قلمدان‌ساز

عنوان جلسه پنجم معماری و ترکیب شهر بود و در چهار سخنرانی گفته شد:

- مارکوس ریتز (آلمان): معماری مسجد و مدرسه و جنبه سیاسی آن در
عصر قاجار

— کامران صفامنش: ساخت شهرها و ساختمانهای عمومی آن

— هیدی والجر (آمریکا): حامیان معماری

— کاوه بختیار (ایرانی مقیم آلمان): معماری برجهای عصر ناصری

عنوان جلسه ششم روزنامه و چاپ بود و چهار سخنرانی ایراد شد:

— آنا ونزان (ایتالیا):

— اولریخ مارزلف (آلمان): تصویر در چاپ سنگیهای ایران

— منصوره اتحادیه (نظام مافی): تصویرهای چاپ سنگی کار صنایع‌الملک در

روزنامه دولت علیه ایران

— شیوا بلاغی (ایرانی مقیم امریکا): میرزا ابوتراب غفاری و میرزای

مهدی‌خان مصورالملک و تصویر روزنامه

عنوان جلسه هفتم عکاسی و تصاویر متحرک بود و چهار سخنرانی ایراد شد:

شهریار عدل: عکاسی در ایران ۱۸۳۹ - ۱۸۶۰

محمدرضا طهماسب‌پور: ناصرالدین شاه‌عکاس

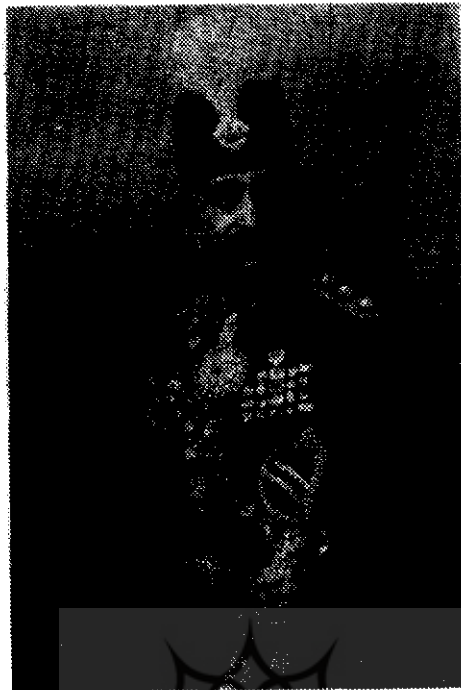
رضا شیخ: پشت دیوارهای قصر - عکاسی چهره‌ها در ۱۸۸۰ - ۱۹۲۵

فرخ غفاری: از میرزا احمد عکاسباشی تا تصویرهای متحرک (ایشان نیامده

بود و از جانب او توضیحات ایراد شد).

تاریخ عکاسی ایران - فعالیت در هلند

نامه‌ای داشته‌ام از خانم Corrien J.m. Vuurman (هلندی). ایشان دوره دکتری را می‌گذرانند در



دانشگاه لیدن - موضوع رساله‌اش تاریخ عکاسی ایران (۱۸۵۰-۱۹۲۰) است و هر چه را درین موضوع می‌یابد و می‌باید دنبال کند.

خدمت ارجمندش زحمتی است که برای فهرست کردن عکسهای ایران انداخته شده توسط A. P. H. Hotz هلندی (اوائل قرن بیستم) انجام داده و با همکاری Theo Martens نشر شده است به عنوان Prezie en Hotz (لیدن ۱۹۹۵). وصف چهل و پنج قطعه عکس از ایران است با مقدمه‌ای تاریخی، مقداری از عکسها هم نمونه‌وار چاپ شده است. دو ستم Jan Just Witkam رئیس بخش نسخ خطی اسلامی دانشگاه لیدن هم درباره این مجموعه مقاله‌ای منتشر کرده بود. این گونه عکسهایی که جنبه مردم‌شناسی تاریخی دارد برای محققان اروپایی ارزشمندی خاص دارد.

خانم فورمن در نامه‌اش مرا مطلع ساخته است که در ماه نوامبر ۹۹ گالری آرتور زاکلر در واشنگتن فهرستی از عکسهای کار سوروگین منتشر خواهد کرد. سوروگین عکاسی بود مقیم ایران و عکسهای دست انداخت او که بسیار شهره شده است. خانم فورمن در نشر این کاتالگ همکاری کرده است.

این خانم سرگذشتی هم از سوروگین نوشته است که در مجموعه نفیس «ایران از نگاه سوروگین» نشریه مشترک انتشارات برجسته (هلند) و انتشارات زمان به چاپ رسیده است (تهران - روتردام، ۱۳۷۸).

عکس‌هایی که درین کتاب نفیس طبع شده است متعلق به مجموعه موزه ملی نژادشناسی لیدن هلندست. و مؤسسه نفت شل مخارج چاپ این کتاب را داده است.

روزنامه‌های عصر ناصری

ناصرالدین‌شاه پنجاه سال سلطان این آب و خاک بود. یک پنجاهم از تاریخ مدون ایران در سهم اوست. او در دوره پادشاهی به تأسیسات علمی و فرهنگی به وسع و قدرت مالی مملکت پرداخت. حقاً کتابهایی که به همت اعتضادالسلطنه و بعد اعتمادالسلطنه به طبع رسید اغلب شاهکاری است برای آن دوره. با همه معایبی که به نگاه امروزی بدانها، می‌توان بر آنها گرفت اکنون هر یک مأخذ و مرجعی است. آیا منتظم ناصری و مرآت‌البلدان و مطلع‌الشمس و المآثر و الآثار کتابهای کوچکی است. اعتمادالسلطنه هم در دوره خود بدخواه و حسود داشت و هم بعد درباره او قضاوت درست نشد.

از کارهای بزرگ و ناشناخته دوره ناصری روزنامه‌هایی است که در زمینه‌های مختلف انتشار داده شد. از این روزنامه‌ها چون متأسفانه ثبت و ضبط درستی نداشته‌ایم دوره‌های کامل و ردیف بسیار نادرست. هر کتابخانه‌ای مقداری ازین و مقداری از آن دارد. دسترسی به این روزنامه‌ها آسان نیست. کتابخانه‌ها به آسانی آنها را در اختیار نمی‌گذارند. حتی دارند کاغذشان فرسوده است و مراجعه‌کنندگان با این اوراق مندرس بدرفتار می‌کنند. گاهی با تیغ مطلبی را که دلپذیرشان بوده است بریده‌اند. پس محققند که اصل آنها را کمتر در دسترس بگذارند. ولی باید میکروفیلم تهیه کنند و خواستار را محروم نکنند. اطلاع‌رسانی این حکم را می‌کند.

با وجود این گرفتاریها، پژوهشگر مشتاق محتاج به دانستن مطالب مندرج درین جرایدست. تاریخ ایران نو - معاصر - جدید را نمی‌توان نوشت مگر اینکه نوشته‌های روزنامه‌های عصر ناصری شناسانده شود. همه محققان وقت آن ندارند که به دو سه کتابخانه‌ای که دارای این روزنامه‌ها هستند سر بزنند. مگر همه محققان در تهران و مشهد و اصفهان و شیرازند. خیر، اگر پژوهشمندی باشد در دلجان یا سوسنگرد یا ابرقو چه باید بکند.

فرید قاسمی گره از کار فروبسته این گونه پژوهشگران گشایید. با ایجاد طرح چکیده مطبوعات ایران و دست به کار شدن نسبت به دوره ناصری و نشر نخستین جلد آن نشان داد می‌توان کار بنیادی و مأخذهای دم‌دستی و ضروری را حتی یک تنه فراهم ساخت.

نخستین مجلد کتابش به نام «چکیده مطبوعات ایران» (جلد اول عصر ناصری در ۳۸۶ صفحه متن و یکصد و پنجاه صفحه نمایه منتشر شد به قطع رقعی متوسط).

در دوره ناصری به تقریب می‌باید پنجاه روزنامه نشر شده باشد. قاسمی در این مجلد چکیده مقالات و مطالب و اخبار و تصاویر و اعلانات چهارده روزنامه را به نظم موضوعی (کلیات -

فلسفه و روانشناسی - علوم اجتماعی - زبان - علوم خالص - علوم کاربردی - هنر - تاریخ و جغرافیا) عرضه کرده است. درین فهرست آمده ۳۱۹۲ مدخل با ذکر مشخصات هر شماره از روزنامه.

البته ممکن است کسی ایراد بگیرد که فلان مطلب بهتر بود در فلان مبحث بیاید و فلان یکی در فلان جا (بنا به سلیقه خود). خیال می‌کنم ترتیبی که ایشان اتخاذ کرده است وافی به مقصود هست. مع‌هذا چون نمایه مفصلی تهیه کرده‌اند مجموعاً پاسخگوی پژوهشگران خواهد بود. چکیده‌سازی از یک سطر هست تا بیست سطر. آنچه کم دارد جدول منظمی است از نام روزنامه‌ها با ذکر مشخصات مدیر و محل طبع و سال طبع و اینکه چند شماره از آن نشر شده بوده است. اگر شماره‌ای هم دیده نشده باشد یعنی احتمال دارد که به دست نیامده باشد درین جدول تذکر داده شود. دیر نشده است و آن را می‌توانند در جلد دیگر ارائه کنند.

در نمایه‌سازی هم باید «کمپیوتر کارها» را مراقب کرد که اطلاعات درست بدهند نه از قبیل یشارخان (به جای ریشارخان). این کار بزرگ و خوب باید پیش برود. تاریخ‌نگاران فردا سپاسگزار خواهند بود.

ایران و توران

نشریه بسیار اساسی و مهم علمی در زمینه باستانشناسی ایران آن مجموعه‌ای است که ارنست هرتسفلد طرح آن را ریخت و منتشر ساخت. این نشریه *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* نام داشت. هرتسفلد از دانشمندان کم‌مانند در شناخت فرهنگ باستانی ایران بود برای روزگاران ماد تا عصر ساسانیان.

دوره‌ای که از آن مجموعه هرتسفلد انتشار داد از سال ۱۹۲۹ بود تا ۱۹۳۸. با پیشامد جنگ نشر آن متوقف شد. هرتسفلد هم مرد.

پس از جنگ و تأسیس شعبه انستیتوی باستانشناسی آلمان در تهران، انتشار دوره جدید آن نشریه به همان نام آغاز شد و هینز لوشای H. Luschey و پس از او ولفرام کلایس W. Kleiss از گردانندگان آن بوده‌اند.

شماره‌های دوره جدید اکنون به سی جلد رسیده است. سالی یک جلد نشر می‌شود، بطور منظم. هر جلد میان چهارصد و پانصد صفحه است و تمام مطالب آن خاص قلمرو باستانشناسی تمدن ایرانی است.

از جلد بیست‌ونهم بر نام مجله کلمه *Turan* را اضافه کرده‌اند. شده است *Iran und Turan* ... بدینوسیله خواسته‌اند مقاله‌های مربوط به سرزمینهای ازبکستان و تاجیکستان و ترکمنستان را در برگیرد. توران را به جای ماوراءالنهر و ترکستان برگزیده‌اند. بوی عهد ساسانیان می‌دهد.

کم مباد از چشمه‌های تا ابد رخسندگی
 خنده زرتشت را آئینه دارد چشم تو
 کار کارستان حافظ را به مؤگان کرده‌ای
 چشمهای تست دنیای بزرگیهای ما
 چشمهای تست، یا خورشید، یا آتشکده
 چشمهای تست هم آوازه ایران زمین
 این نه تنها چشم تو چشم غرور میهن است
 حاصل ده قرن بیداریست از آشوبها
 گنج دانش، گنج همت، گنج بینش، گنج راز
 می‌کند تفسیر چشمان تو صبح و شام را
 چشم تو بر ترکنازیها سیاوشانه است
 چشم تو، چشم نگهبان سریر سروریست
 چشم تو چونان چراغ آسمان پاینده باد

چشم فرهنگ منی ای آفتاب زندگی
 راز تاریخ مرا در سینه دارد چشم تو
 جام جم را سالها در دیده پنهان کرده‌ای
 هستی دیروز ما، امروز ما، فردای ما
 بوسه بر زریں چکاد قاف انسانی زده
 چشم نه، باغ هنر، سحر سحر، شعر یقین
 این اهورائی نگین، افشاگر اهریمن است
 دیده در خاک ادب بر چوبها، مصلوبها
 بی‌نیازی را، عقاب عرش سیر پاکباز
 هفت شهر عاشقان را، هفت خط جام را
 شاه ترکان از رموز راستی بیگانه است
 فرّه کیخسروی، آئینه اسکندرست
 چشم یاران بر ورق گردانی «آینده» باد

خسرو احتشامی هونه‌گانی

سواد این منظومه را دوست فاضل آقای علی باقرزاده (بقا) از مشهد برایم فرستاد (پائیز ۱۳۷۳) و یادآور شد که سراینده گرامی آن را در سال ۱۳۷۲ فرستاده بوده و تعجب فرموده است چرا در مجله آینه چاپ نشده است. نسخه شعر به من ترسیده بود تا از لطف و مرحمت سراینده دست کم سپاسگزاری خصوصی بشود.

پنجمین ادیب کرمانی

در مقدمه کلیات آثار ادیب قاسمی کرمانی چهار نفری را که به ادیب کرمانی شهرت داشته‌اند معرفی کردم (قاسمی ادیب کرمانی - شیخ احمد ادیب کرمانی - حسین ادیب‌الذکرین کرمانی - علامه حسین خان افضل الملک معروف به ادیب کرمانی).

حدود دو ماه پیش شخصی که دارای دو نسخه خطی خوشخط بود به من مراجعه کرد و نسخه‌های خود را نشان داد. من آن وقت فراموشم شد مشخصات کامل آن را یادداشت کنم - فقط نام کاتب یکی از آن دو را که ادیب کرمانی بود بدون ذکر نام نسخه نوشتم. نسخه به خط نسخ خوش بود با رقم: «محمد حسن الملقب بالادیب الکرمانی فی لیلة غرة محرم» و آن را برای میرزا عیسی خان کتابت کرده بود. در آغاز نسخه «یا صاحب القبة البيضاء علی النجف» آمده بود.

دانشگاه لندن مرکزی دارد برای مطالعات خاورمیانه و نزدیک. در میان سلسله جزواتی که چاپ کرده است این چند تا به ایران مربوط است:

Mc Lachlan (and F. Farchad) - Internal Migration in Iran. (1989)

Sarah Lloyd - Housing the Urban Poor in Iran (1993)

Sarah Stewart - The Concept of Spirit in the Old Testament and Zoroastrian Gathas (1993)

Mojtahed - zadeh, Pirouz - The Islands of Tunb and Abu Musa (1995)

فیض محضر کریمزاده تبریزی

محمدعلی کریمزاده تبریزی بیست سال است که دور از ایران است. درین مدت همیشه با ایران بود و با هنر ایران. سه جلد کتاب درباره نقاشان و خطاطان نوشت و چاپ کرد. چاپ عکسی از مجموعه‌ای خطی از فرامین و مکتوبهای عصر فتحعلی شاه را در لندن منتشر ساخت. اخیراً هم مجموعه کتابهای خطی و چاپ سنگی خود را با علاقه‌مندی به کتابخانه مجلس بخشید. به تازگی کتابی از اجازت‌نامه‌های خطاطان عثمانی را در لندن نشر کرده است که برای ما تازگی دارد و برای ترکیه‌ایها ماندگارست. این کتاب حاوی عکس تعدادی اجازه‌هایی است که خطاطان از استادان خود دریافت می‌کرده‌اند.

۱۴۸

نزد او مجموعه‌ای بسیار دیدنی و با اهمیت دیدم که آوردن وصف مجملی از آن مفید است. این مجموعه آلبومی است از عکسها، کارت ویزیتها، کارت پستالها و کارت دعوتها و بریده جراید از جریان فرستادن نماینده دربار انگلیس به دربار مظفرالدین شاه به ریاست Lord Viscount Downe و دو همراهش به نامهای E. G. Duff و کاپیتن G. W. Moore. جامع آلبوم همین مورست. همچنین نزد او دو کتاب چاپی دیدم که ندیده بودم. یکی کاتالگ نمایشگاه نسخه‌های خطی فارسی موزه ارمیتاژ نوشته آ. آداموا است.

Persian Painting and Drawing of the 15th - 19th Centuries from the Hermitage Museum.

(1996), Exhibition Catalogue

نکته‌ای که توجهم را به خود کشید نامی بود که به فارسی برای آن نوشته‌اند و برای ایرانی عجب انگیز است. نام کتاب «فارسی نقاشی» است. به جای نقاشی ایرانی.

کتاب دیگر چاپ عکسی (از رحلی بزرگتر) مثنوی مولانای روم مورخ ۶۷۷ بود. این نسخه به شماره ۵۱ در موزه قونیه نگاه‌داری می‌شود. تاکنون سه چاپ عکسی از آن شده است. دو تادر ترکیه و یکی در ایران. چاپ ایران در سلسله انتشارات نشر دانشگاهی زیر نظر دکتر نصرالله پورجوادی انجام شده.

اما دو چاپ ترکیه، یکی به قطع وزیری مانند دست و دیگری همین که ذکرش را کردم و

وزارت فرهنگ ترکیه در سال ۱۹۹۷ به چاپ رسانیده و آن را سی و چهارمین شماره از سلسله متون پیشینه (کلاسیک) ترکی در شمار آورده‌اند.

در صفحه مشخصات چاپ، سال کتابت به اشتباه به جای ۶۷۷ به رقم ۵۷۷ چاپ شده است.

اران در جغرافیای مغربی

در کتاب الجغرافیا لابی الحسن علی بن موسی بن سعیدالمغربی (متولد ۶۱۰ - متوفی ۶۸۳) تصحیح اسماعیل العربی (بیروت، ۱۹۷۰) چنین آمده است:

و من الجبل المذكور منبع نهر اراس یشق بلاد اذربيجان وينصب نحوالباب... و فی جنوب النهر الذی یمدالفرات من المشرق تقع مدینة شروان و هی قاعدة لبلادها و جبالهاالمضافة الی سلطنة اذربيجان...

قال ابن ناظه و فی هذاالجزء يقع نهرالکراالکبیر الذی یشق بلاد اران وينصب فی بحر طبرستان.

و فی شرقیها علی جنوبی النهر من مدن ارانالمذكورة فی الکتب شمکور... و فی شرقیها من مدن اران المذكورة بالنسبه الیها مدینة جنزه. (ص ۱۸۷ - ۱۸۸)

شهرهای مربوط به ایران در الروض المعطار

آمل - ابهر (زنجان و اصفهان) - ایبورد - ابرکاوان - ابرشهر - اثل - اخسیکت - اذربيجان - ارجان - ارمنیه - آرمیه - ارم آسک - ارکنده - ایذج - انبار - اندراب - اصبهان - اصطخر - افرندین - اسپبجانب - اسطور - اسفراین - اشروسنه - اشک - اهواز - اوال - اوش - اوفه - ایوان کسری - ایالی ناشر (حدس زده اناس کرمان باشد)

بادغیس - بامیان - باخرزه - باب الابواب - باغه (باکو) - بخارا - بخراء - براغه - بردعه - برطاس - بزوان - بلخ - بلخشان - بلغار - بم - بنجهیر - بصره - بصنا - بغداد - بست - بسطام - بهر سیر - بومنچکت - بوشنج - بیلقان - بیهق - بیضاء - بیروذ - بیکند

تبریز - تبت - تخارستان - ترمذ - تفلیس - تستر - توریز - توج - ثوراب
جَبّای - جخنده - جرجان - جرجانیه - جرباذقان - جنداساپور - جنابا - جناباذ - جور - جرزبان - جوزجان - جوسق - جیحان - جیرفت - جیزک - جی - جیدان

خانقین - خانک - خارک (دوبار) - خرخیز - خراسان - خرم - خزر - خلم - خلاط - خشک - خوی - خوارزم - خوزستان

دارین - دامغان - دابق - دارقطن - دبوسیه - دجله - دارابجرد - دراورد - دردور - دنباوند - دغول - دستوا - دسکره - دهستان - دورق - دولاب - دینور - دیبل - دیلم

رامین - الران - رامهرمز - الرجان - الرذ - رستقباد - رودبار - رودان - روده - رومه المدائن -

رویان - ری

زبان - الزاره - زرنج - زرنده - زرق - زم - زمخشر - زنجان

ساوه - ساباط المدائن - ساپور - سریر - سرخس - سلیمانان - سمنان - سمرقند - سنجه -
السند - سهرورد - السوس - سوق الاهواز - سیراف
شباش - شاهجان - شالوس - شروان - شمشاط - شعب بوان - شهد روج - شهرستان - شیراز -
شیرجان

صاهک - صفانیان - صفد - صهاب - صین

طاب - طالقان - الطاق - طاووس - طبرستان - الطبران - طمیه - الطیسان - طینه - طخارستان -
طرز - طریثیت - طوس - طاوویس

عبادان - عدولی - عسکر مکرم - عسکر مهدی - غزنه - غور

فاراب - فارس - فاخته (کرمان) - فاریاب - قریاب - فرغانه - فیروزآباد - فیروزکوه

قالی قلا - قاسان - قادسیه - قاشان - قرمیسین - قزوین - قم - قبا - قنوج - قندهار - قصر هرمز
(از سیرجان) - قوقانا - قومس - قوهستان

کابل - کاشغرا - کازرون - الکرچ - کرمان - گرمینیه - کلار - کلاباذ - کند - گنجه - گسکر - کوار -
کویابه - کوشان - گیلان - کیش - کته
لاوان

ماسبدان - الماه - المدائن - مروشاهجان - مروالروذ - مرغاب - المراغه - مرعش - مکران -
ملتان - منبج - المشرقان - مهران - موریان - مولتان - مورور - موقان - میسان - میافارقین -
ناشیان - ناخبه (کرمان) - نجیرم - نصیبین - نصرآباد - نسف - نهاوند - نهروان - نوسنجان -
نوبهار - نیکت - نیسابور

هلبک - هراة - همذان - الهند
ویذار - ولجه

یابه - یاب - یان - یهودیه

مراسم عروسی / مردانه در طالار نقاشی نظامیه (لقانطه)

عکس ناصرالدین شاه در صف سلام نظامیه با ریش است که ابوالحسن خان صنیع الملک
شبهه کشی کرده است.

مدرس در آن مراسم بوده است. عین السلطنه در خاطرات خود می نویسد: «آقای مدرس که
قیم صفارست قرار شد پیشنهادی به مجلس کند که این صف سلام را خریداری [کنند] و در
محلی بگذارند. آقای کمال الملک حاضر بود و گفتند قیمتی بگذارد. او تأمل کرد. خود مدرس

گفت صورتی یکصد تومان، شاه دوست تومان. کمال‌الملک گفت خیلی بیش از اینها قیمت دارد. اما حالا چون ملت خریداری می‌کند عیب ندارد و شرحی به همین مضمون نوشت و تصدیق نمود. هشتاد صورت است و از همه آنها امروز فقط حضرت اقدس والای (یعنی پدر خودش عزالدوله) ما باقی است که در پایه تخت ایستاده و اشتباهاً رکن‌الدوله را بالا دست حضرت والا کشیده است. (۱۹ جمادی‌الاولی ۱۳۴۱ عین‌السلطنه)

رایزهای فرهنگی پیشین

علی اصغر حکمت نخستین وزیر خارجه است که به تعیین و نصب رایزن فرهنگی در بعضی سفارتخانه‌ها اقدام کرد. این کار پس از او هم ادامه یافت ولی وزارت فرهنگ وقت عامل اجرای آن شد. چون غالب افرادی که به این سمت مأمور و یا نمایندگی امور فرهنگی را عهده‌دار شده‌اند شایستگی داشته و از مردان فرهنگ‌دوست و صاحب تالیف و افراد دانشگاهی بوده‌اند نامشان را به یادگار می‌آورم. این فهرست از حافظه تهیه شد پس کامل نخواهد بود. امیدست آگاهان نامهای دیگر را که می‌شناسند برای تکمیل این صورت بفرستند.

اقبال آشتیانی، عباس (ایتالیا)

تفضلی، محمود (هندوستان)

جلیلی، دکتر ابوالحسن (فرانسه)

خدیوچم، حسین (افغانستان)

ریاحی، دکتر محمد امین (ترکیه)

طباطبایی، ابوالفضل (مصر)

عزیزی، دکتر علی اصغر (اطریش)

فلسفی، نصرالله (ایتالیا)

مجتبایی، دکتر فتح‌الله (هندوستان)

محجوب، دکتر محمد جعفر (پاکستان)

محمدی ملایری، دکتر محمد (لبنان)

محیط طباطبایی، محمد (شامات - عراق - هندوستان)

مشایخ فریدنی، دکتر محمد حسین (عراق)

مقتدری، دکتر محمد تقی (افغانستان)

نادرزاد، بزرگ (فرانسه)

نشأت، صادق (مصر)

سه عریضه از علاءالدوله با دستورهای ناصرالدین شاه

آقای احمد شاهد، دوست فاضل مقیم اسفراین سه عریضه از علاءالدوله (محمد رحیم خان) به من داد که درج متن آنها برای پژوهش در تاریخ ناصری و رویه ناصرالدین شاه در نظارت بر امور مملکت مفیدست.

۱

هو

تصدق خاکپای مبارک شوم با وزیر فواید گفتگو نمود. عرض می‌کند که حالا که رأی همیون با استدعای من مطابق است ده هزار تومان نقد از بابت مالیات تنگوزئیل می‌دهم و بعد از پرداختن تنخواه با اسب چا پارخانه می‌روم و متعهد نظم عربستان و لرستان می‌شوم. بعد از رفتن اگر پیشکاری ضیاءالملک خلاف مصلحت نباشد او را با کمال مهربانی نگاه می‌دارم. مالیات تنگوزئیل را تا سه ماه بعد از عید می‌پردازم. مالیات سنه آتیه را به قسمی قرار می‌دهم که تا آخر سال به خزانه برسد و به سال آینده نماند.

در جمع‌آوری رعایا و انجام و پیشرفت قرارنامه تولوزان حکیم باشی اهتمام کنم. در امورات سرحدیه انشاءالله خدمات شایسته کنم. به برادرم تأکید می‌کنم که تا سه ماه دیگر کسر فوج گروس را تمام کند که چهار پنج ماه دیگر استدعای مأموریت آن فوج را به عربستان نموده که انشاءالله رفع کسالت سفر استرآباد فوج را نماید.

در این مأموریت حسن خدمت خود را در پیشگاه حضور جلوه دهم والا در خاکپای مبارک متروک و قابل هیچ خدمتی نباشم و اول خدمتی که بر ذمه چاکری فرض می‌دانم وصول و ایصال مالیات تنگوزئیل است.

تقریر و تعهد وزیر فواید از قواری است که جسارت به عرض نمود. اگر مقبول طبع مبارک اقدس است در تهیه تنخواه مشغول باشد، والا فردا میرزا باقرخان به محل مأموریت برود. به اعتقاد خانه‌زاد عیبی تصور نمی‌توان کرد. موقوف به اراده علیه اقدس روحنا فداه است.

حاشیه شاه

علاءالدوله

تعهدات وزیر فواید را بی‌معنی نمی‌دانم. در تهیه تنخواه باشد. ده هزار تومان از بابت مالیات تنگوزئیل بدهد. میرزا باقرخان نرود. تا فردا عصری هم منتشر نشود، تا با خود وزیر فواید هم حرف بزنم. انشاءالله خوب می‌شود. قسطی که در راه است مبدا عیبی کند.

به زیارت دستخط جهان مطاع افتخار حاصل نمود. فقرات مقرر را به همان قسم اطاعت می‌نماید. در باب عمل ضرابخانه استنباطی که از زیارت دستخط مبارک کرده بودند و خانه‌زاد مطلب را نفهمیده معروض داشته بود امید بخشایش و عفو دارد و به غلط و عرض نفهمیده معترف است. آن ساعتی که وجود نابود این غلام باعث تغیر مزاج مبارک باشد از خداوند مسئلت می‌کند که خانه‌زاد را نیست و نابود کند. همان روسیاهی و بیشعوری از برای خانه‌زاد بدترین عقوبت است. خداوند بلای وجود مبارک را به جان این غلام بزند.

حاشیه شاه

آن فقره جوابی که نوشتم تغیر نداشتم. خواستم بفهمانم که اهل مجلس و خودتان از مسئله دور افتاده تصور بیهوده کرده بودند.

عریضه ناقص (صفحه آخر آن است)

— ششصد و پنجاه تومان را تسلیم می‌نماید و نوشته که مقرر فرمودند به اطلاع جناب جلالت مآب سپهسالار اعظم خواهد گرفت و مراقبت می‌نماید که به همان موعد حاضر شود. — ده هزار تومان که سکه می‌شود از برای دارالخلافه است و به سایر ولایات حمل نخواهد شد.

— فقره سکه را که باید در قورخانه سکه شود به استحضار جناب سپهسالار اعظم با جهانگیرخان گفتگو نموده و قرار این فقره را می‌دهد و به عرض خاکپای اقدس می‌رساند با علامت و سر سکه.

— در باب تعیین تنخواه که از کجا باید برسد در صورتی که مقرر شود از تنخواه قیمت غله که به خزانه تحویل شده و می‌شود که داخل هیچ پولی نشود و جداگانه در صندوق معینی می‌گذارند پنج هزار تومان قرض شود و تا پنج هزار تومان سکه شود روز به روز تحویل حکومت می‌شود و تنخواهش دریافت می‌شود و به مصرف سکه می‌رسد. بعد از اتمام تنخواه را رو نموده تمسک خود را خواهد گرفت.

— در باب منافع این فقره از برای دولت آن را هم از روی تحقیق معین نموده تفصیل را به عرض می‌رساند.

— در باب میرزا حسن با مشارالیه مشغول گفتگو است تفصیل را عرضه خواهد داشت.

- در باب سکه پول سیاه از همین قرار معمول دارد. اما غدقن نماید به عذر سکه این پول را از طهران به خارج نبرند.

- میرزا حسن بسیار مقصر است که خلاف حکم دولت را کرده از مردم چیز گرفته است. علاوه بر دادن پنج هزار تومان هزار چوب هم باید می خورد. چوب را بخشیدیم پنج هزار تومان را بدهد، والا هزار چوب پرزور حکماً خواهد خورد.

صورت اسناد بقعه شیخ صفی

شنیده ایم بقایای اسناد بقعه شیخ صفی را به تهران آورده اند و در سازمان میراث فرهنگی می خواهند فهرست نویسی کنند.

من چون دو صورت مجلس از تحویل اسناد در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۱۴ دیده ام که خادمباشی وقت آنها را به اداره معارف تحویل داده بوده است مناسب دیدم کیفیت را بنویسم. این سندها را نزد ورثه خادمباشی دیده ام. در آنها این مطالب نوشته شده است:

الف) صورت تدوین شده توسط خلخالی (قطعاً سید عبدالرحیم خلخالی) مورخ پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۰۷ از نفایس خزانه (قرآن و قباله و کاسه و غیره)، به امضای رئیس نظمی (امضا ناخوانا) - رئیس معارف صفوت (قطعاً محمدعلی صفوت تبریزی) - مفتش سیار معارف صادق انصاری - رئیس مالیه (امضا ناخوانا) - نماینده و رئیس دفتر حکومت اردبیل (امضا ناخوانا) - مفتش وزارت مالیه (امضا ناخوانا) - کلمه خواجه در آن خوانده می شود) - خادمباشی.

ب) صورت مجلسی که در روزهای ۱۳۱۴/۲/۲۵ تا ۱۳۱۴/۲/۲۷ تهیه شده و عبارت است از:

۱) اسناد در صندوق مقفل شش صد و چهل و یک فقره به امضای خادمباشی و رئیس معارف (ناخوانا) و صفوت.

۲) یکصد و نوزده نسخه خطی به امضای رئیس نظمی یاور - صفوت - رئیس مالیه (امضا ناخوانا) - احمد مهران - خادمباشی - محمد همایونی (نماینده اوقاف).

۳) قالیچه سیزده قطعه (به همان امضا)

۴) شمعدان و رحل و غیره سی و هشت قطعه

۵) خمیره و سیب و کوزه بیست و پنج عدد

۶) کوزه و گلدان و تنگ و قرابه سی و پنج عدد

۷) قندیل و قاب و سینی و قلع سی عدد

۸) قاب و دوری یکصد و چهل و یک عدد

۹) اسناد و مدارک اجاره سنوات جاری بیست عدد (۱۴/۳/۲۴)

۱۰) اجزاء قرآن و قرآن درست بیست و پنج عدد (۱۴/۳/۲۶)

۱۱) پرده زری و مخمل و قاب قرآن هفتاد و هشت قطعه.

مجموعه روزنامه‌های محمد رضائی

در شماره ۷ بخارا خواندم (صفحه ۲۸۹) که آقای محسن رضائی فرموده است مجموعه روزنامه‌هایی که مرحوم پدرش گردآوری کرده بود توسط خود آن مرحوم (در زمان حیات) به قم فرستاده شده است. این مطلب درست نمی‌تواند باشد. پس ضرورت دارد برای اطلاع علاقه‌مندان گفته شود مجموعه بسیار ارزشمند و تقریباً یگانه مذکور پس از وفات آن مرحوم برای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران خریداری شد. گرامی عزیز آقای (داماد رضائی) هم در جریان قرار داشت و به این کار مساعدت لازم را نمود.

اجزاء مجموعه مذکور طبق مرسوم در دفتر ثبت کتابخانه ثبت و سپس جملگی صحافی شد. توفیق یار شد که جز آن نمایشگاهی از آن مجموعه در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ترتیب دادم به نام «یادگارهای مطبوعات ایران» ضمناً از زین‌العابدین رهنما، دکتر رضوانی و دکتر باستانی بازیری و چند نفر دیگر هم خواهش شد که در طول هفته برای دیدار کنندگان سخنرانی ایراد کردند. شرح مربوط به نمایشگاه در مجله تحقیقات روزنامه‌نگاری چاپ شده است.